

تأثیر تخصص حسابرسی بر کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام

علی ابراهیمی کردلر^۱، موسی جوانی قلندری^۲

چکیده: در این پژوهش، افزون بر بررسی تأثیر کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام، تأثیر تخصص صنعتی حسابرسی بر اثر کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام نیز بررسی شده است. همزمانی قیمت سهام، معیاری نسبی از اطلاعات خاص شرکت در مقایسه با اطلاعات بازار و صنعت است که در قیمت سهام منعکس می شود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در نظر گرفته شده است. برای اجرای پژوهش، اطلاعات ۸۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و فرابورس ایران به عنوان نمونه آماری بررسی شد. با استفاده از الگوی رگرسیون چندمتغیره و داده های ترکیبی، به تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها پرداخته شد. یافته های پژوهش نشان می دهد کیفیت سود، تأثیر منفی و معناداری بر همزمانی قیمت سهام می گذارد و تخصص صنعتی حسابرسی به عنوان متغیر تعدیل کننده، اثر آن را تقویت می کند. به بیانی دیگر، اثر تعاملی تخصص حسابرسی با کیفیت سود موجب کاهش همزمانی قیمت سهام می شود.

واژه های کلیدی: تخصص صنعتی حسابرسی، کیفیت حسابرسی، کیفیت سود، همزمانی قیمت سهام.

۱. استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹

نویسنده مسئول مقاله: موسی جوانی قلندری

E-mail: musa_javani@ut.ac.ir

مقدمه

بازارهای مالی نقش مهمی در اقتصاد هر کشوری دارند و عامل اثرگذاری در رشد اقتصادی آن محسوب می‌شوند. بازار سهام نیز یکی از این بازارهاست که با هدایت وجوه به سمت فرصت‌های سرمایه‌گذاری، بخش بزرگی از اقتصاد دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب دغدغه و نگرانی بسیاری برای دولت‌ها می‌شود (نگوین نگوک‌تنه، ۲۰۱۳). بازار بورس ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته‌ای نظیر آمریکا و انگلیس، بازار نوظهوری به‌شمار می‌رود و حجم کم سرمایه‌گذاری‌های خارجی و قیمت‌های پُرنوسان سهام، گواه چنین ادعایی است. در چنین بازارهایی برای سرمایه‌گذاران مطالعه حرکت قیمت سهام اهمیت خاصی دارد؛ زیرا تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همزمانی قیمت سهام مفهومی است که میزان حرکت قیمت سهام را با یکدیگر بیان می‌کند (اسکات، ۲۰۱۲). به‌طور کلی قیمت سهام منعکس‌کننده اطلاعات وسیعی مانند سود، اخبار کلان اقتصادی، پیش‌بینی تحلیلگران و سایر اطلاعات مالی است. بررسی همزمانی قیمت سهام به محققان اجازه می‌دهد که به مطالعه حجم گسترده‌ای از آثار اطلاعات مالی بپردازند. سود حسابداری یکی از عواملی است که به انعکاس بیشتر اطلاعات خاص شرکت‌ها در قیمت سهام کمک می‌کند و بسته به کیفیت خود، می‌تواند به سرمایه‌گذاران اطلاعات بیشتری درباره ارزش واقعی شرکت‌ها ارائه دهد؛ اما به دلیل مسئله جدایی مالکیت از مدیریت، ممکن است اقلام تعهدی ارائه‌شده در صورت سود و زیان دستکاری شود و قابلیت اتکای آنها و به دنبال آن کیفیت سود، در نزد سرمایه‌گذاران مورد شک و تردید قرار گیرد. در همین رابطه، حسابرسان مستقل با بررسی صورت‌های مالی شرکت‌ها، به سرمایه‌گذاران اطمینان معقولی در خصوص کیفیت آنها می‌دهند (ابراهیمی کردلر و سیدی، ۱۳۸۷). تضاد منافع بالقوه و رویدادهای گزارشگری متقلبانه، ترس سرمایه‌گذاران را برانگیخته و آنها را به سوی تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا تشویق می‌کند. افزایش کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی را به‌طور شایان توجهی کاهش می‌دهد.

حسابرسان با کیفیت و متخصص، ممکن است صاحبکاران خود را مجبور کنند که اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها را با کیفیت بهتر، قابلیت اتکای زیادتر، جزئیات بیشتر و در زمان مناسب منتشر کنند (نونهال نهر، جبارزاده کنگرلویی و پورکریم، ۱۳۸۹؛ گال، کیم و کیو، ۲۰۱۰). حسابرسان متخصص و باکیفیت مانند تحلیلگران مالی، نقش واسطه‌های اطلاعاتی را ایفا می‌کنند. با وجود این بر خلاف تحلیلگران، نقش اولیه حسابرسان، اعتباردهی به گزارش‌های حسابداری و اطلاعات مندرج در آنهاست. حسابرسان متخصص و باکیفیت به دلیل برخورداری از تخصص و مهارت کافی، موجب انعکاس بیشتر اطلاعات خاص شرکت در قیمت سهام می‌شوند

و همزمانی آن را کاهش می‌دهند (گال و همکاران، ۲۰۱۰). در تحقیقات پیشین، تأثیر کیفیت حسابرسی بر انعکاس میزان اطلاعات خاص شرکت در قیمت سهام به خوبی تشریح و بررسی نشده است. به‌عنوان دومین هدف، پژوهش حاضر تأثیر کیفیت حسابرسی را بر اثر کیفیت سود بر همزمانی قیمت نیز بررسی می‌کند.

پیشینه پژوهش

مبانی نظری

بر اساس مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، بازده سهام شرکت‌ها به‌وسیله چندین عامل تنوع‌ناپذیر و ویژگی‌های خاص شرکت مشخص می‌شود. قدرت توضیح‌دهندگی شاخص بازار و شاخص صنعت، به‌طور نسبی بیان‌کننده سطح اطلاعات بازار، صنعت و اطلاعات خاص شرکت است که در قیمت سهام منعکس شده است. پیتروسکی و رولستون (۲۰۰۴) معتقدند همزمانی قیمت سهام شرکت، تقریبی از میزان نسبی اطلاعات خاص شرکت، صنعت و بازار است که طی سال مالی قیمت سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همزمانی بالا (پایین) نشان‌دهنده بیشتر (کمتر) بودن اطلاعات کلان بازار، صنعت و کمتر (بیشتر) بودن اطلاعات خاص شرکت است که در قیمت سهام منعکس شده است.

کیفیت سود می‌تواند موجب افزایش همزمانی قیمت سهام شود؛ به بیانی دیگر افزایش کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و موجب افزایش نقدشوندگی می‌شود (باتاچاریا، دیزای و ونکاتچالم، ۲۰۱۳). کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نیز از طریق کاهش واگرایی انتظارات و عقیده‌های سرمایه‌گذاران از اطلاعات شرکت، به کاهش نوسان‌های غیرسیستماتیک قیمت سهام منجر می‌شود (کیم و ورچیا، ۱۹۹۴؛ قائمی و وطن‌پرست، ۱۳۸۳). افزایش نقدشوندگی نیز به انعکاس بیشتر اطلاعات بازار و صنعت در قیمت سهام می‌انجامد و نوسان‌های سیستماتیک آن را افزایش می‌دهد. بنابراین کیفیت سود از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقدشوندگی در بازار، موجب افزایش همزمانی قیمت سهام می‌شود. همچنین کیفیت سود ممکن است همزمانی قیمت سهام را کاهش دهد؛ به‌ویژه زمانی که اطلاعات خاص شرکت به‌طور عمده موجب نوسان بازده سهام شرکت شود. به‌میزانی که کیفیت سود افزایش می‌یابد، اطلاعات خاص شرکت دقیق‌تر می‌شود و بتای سهام کاهش می‌یابد (لامبرت، لئوز و ورچیا، ۲۰۰۷). با بتای کمتر، هم‌حرکتی بین بازده سهام و بازده بازار و صنعت کمتر می‌شود و نوسان‌های بازده شرکت به‌طور نسبی اطلاعات خاص شرکت را بیشتر و اطلاعات مرتبط با بازار و صنعت را کمتر منعکس می‌کند. بنابراین شرکت‌های با ارقام تعهدی اختیاری کمتر (یا ارقام تعهدی با کیفیت بالا) از طریق نوسان‌های سیستماتیک کمتر، همزمانی کمتری خواهند داشت.

رابطه بین کیفیت سود و همزمانی قیمت، ممکن است از طریق کیفیت حسابرسی (یا به بیانی دقیق‌تر، تخصص صنعتی حسابرس) تعدیل شود. حسابرسان از طریق ارتقای مهارت‌های شخصی، صلاحیت حرفه‌ای و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های ویژه، در صنایع خاص تخصص کسب می‌کنند. تحقیقات گذشته نشان می‌دهد حسابرسان متخصص در مقایسه با حسابرسان غیرمتخصص، حسابرسی با کیفیتی به صاحبکاران خود ارائه می‌دهند و صورت‌های مالی آنها اعتبار زیادی دارد (اعتمادی، محمدی و ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸؛ بالسام، کریشنان و یانگ، ۲۰۰۳). از دید سرمایه‌گذاران، سود حسابرسی‌شده حسابرسان با کیفیت و متخصص نیز از اعتباردهی زیادی برخوردار است و ممکن به دو صورت به این موضوع واکنش نشان دهد؛ از یک سو گزارش‌های حسابرسی‌شده قابل اتکا (نظیر سود با کیفیت)، اطمینان سرمایه‌گذاران به آنها را به‌عنوان منبع قابل اتکای اطلاعات خاص شرکت، افزایش می‌دهد و موجب افزایش آگاهی‌دهندگی قیمت سهام‌شده و در نهایت به کاهش همزمانی قیمت سهام منجر می‌شود. از سوی دیگر، کیفیت بالای حسابرسی و اعتباردهی بیشتر در گزارش‌های حسابرسی، می‌تواند هزینه نهایی جمع‌آوری اطلاعات خصوصی را کاهش دهد و انگیزه سرمایه‌گذاران را برای جمع‌آوری بیشتر آن دسته از اطلاعات خصوصی که بعدها در قیمت سهام منعکس می‌شود، افزایش دهد (سو، دائو و ذو، ۲۰۱۵)؛ فریرا و لائوکس (۲۰۰۷) این حالت را اثر ترغیبی (انگیزشی) اطلاعات نامیده‌اند. علاوه بر این، کیفیت بالای حسابرسی و اعتباردهی بیشتر در گزارش‌های مالی می‌تواند سودمندی جمع‌آوری اطلاعات خصوصی را کاهش دهد و موجب کاهش جمع‌آوری آن شود که فریرا و لائوکس (۲۰۰۷) به آن اثر بازدارندگی اطلاعات^۱ می‌گویند. بنابراین برآیند اثر انگیزشی اطلاعات یا اثر بازدارندگی اطلاعات که از کیفیت بالای حسابرسی و تخصص صنعتی حسابرس نشئت می‌گیرد، می‌تواند موجب جمع‌آوری اطلاعات خصوصی کمتر یا بیشتر شود که در نهایت به اعمال کمتر یا بیشتر اطلاعات خاص شرکت در قیمت سهام منجر می‌شود. نتیجه می‌توان انتظار داشت که تخصص حسابرس، اثر کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام را تعدیل کند. در ادامه تأثیر تک‌تک متغیرهای کنترلی بر همزمانی قیمت تشریح می‌شود.

اندازه شرکت: با افزایش اندازه شرکت‌ها احتمال زیادتری وجود دارد که اطلاعات شرکت بیشتر در دسترس سرمایه‌گذاران قرار گیرد. بنابراین همزمانی قیمت با افزایش اندازه شرکت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، احتمالاً شرکت‌های بزرگ منعکس‌کننده نماگرهای اقتصادی در بازار هستند و همزمانی بیشتری دارند. اگرچه اندازه شرکت تأثیر متناقضی بر همزمانی قیمت دارد؛

1. Crowding out effect

پیتروسکی و رولستون (۲۰۰۴) به رابطه مثبتی بین این دو عامل دست یافتند. بنابراین انتظار می‌رود که رابطه مثبتی بین اندازه شرکت و همزمانی قیمت وجود داشته باشد.

اهرم مالی: چن و همکارانش (۲۰۱۳) نشان دادند که با افزایش میزان اهرم شرکت‌ها، اطلاعات و گزارش‌های مالی شرکت‌ها شفاف می‌شود و همزمانی قیمت سهام آنها کاهش می‌یابد. بنابراین انتظار می‌رود بین اهرم مالی و همزمانی قیمت، رابطه منفی وجود داشته باشد (گال و همکاران، ۲۰۱۰).

فرصت‌های رشد: شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالا تمایل دارند که اطلاعات خاص شرکت را بیشتر در دسترس سرمایه‌گذاران و بازار قرار دهند. بر اساس تئوری علامت‌دهی، شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالا سعی می‌کنند اطلاعات بیشتری درباره فرصت‌های رشد و سودآوری به بازار ارائه دهند و از واکنش مثبت بازار منتفع شوند. نتایج تحقیقات تجربی نیز نشان‌دهنده رابطه منفی بین همزمانی قیمت و فرصت‌های رشد است. بنابراین انتظار می‌رود بین همزمانی قیمت و فرصت‌های رشد رابطه منفی وجود داشته باشد (گال و همکاران، ۲۰۱۰).

اقلام تعهدی غیراختیاری: نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد با افزایش اندازه اقسام تعهدی غیراختیاری، کیفیت اقسام تعهدی غیراختیاری کاهش می‌یابد. کاهش کیفیت اقسام تعهدی غیراختیاری، موجب کاهش کیفیت سود می‌شود و همزمانی قیمت سهام را افزایش می‌دهد (جانستون، ۲۰۰۹). بنابراین انتظار می‌رود بین اقسام تعهدی غیراختیاری و همزمانی قیمت، رابطه مثبت وجود داشته باشد. در همین رابطه، مطابق با پژوهش کومونری (۲۰۱۳) و به‌منظور کنترل اثرهای بالقوه آن از اقسام تعهدی غیراختیاری شرکت‌ها به‌عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است.

جریان‌های نقد عملیاتی: نتایج تحقیقات پیشین مانند نوروش و حیدری (۱۳۸۳)، نشان می‌دهد جریان‌های نقد به‌دست‌آمده از عملیات شرکت‌ها، ارتباط مثبتی با بازده آنها دارد. به بیانی دیگر، جریان‌های نقد عملیاتی، بازده شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است موجب تغییر همزمانی قیمت سهام شود (کومونری، ۲۰۱۳)؛ بنابراین در پژوهش حاضر به‌منظور کنترل آثار آن، این عامل متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

پیشینه تجربی

احمدپور و پیکرنگار قلعه‌رودخانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با استفاده از اطلاعات ۵۳ شرکت بورسی به تبیین اجزای کیفیت اقسام تعهدی و همزمانی قیمت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین کیفیت اقسام تعهدی غیراختیاری و همزمانی قیمت، رابطه‌ای

وجود ندارد؛ اما بین کیفیت اقلام تعهدی اختیاری با همزمانی قیمت سهام، رابطه معنادار و مستقیمی برقرار است.

فروغی و فرجامی (۱۳۹۲) نیز تأثیر همزمانی قیمت و نوسان‌های بازده سهام بر نقدشوندگی سهام را بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد افزایش همزمانی قیمت و نوسان سیستماتیک بازده سهام موجب افزایش نقدشوندگی سهام می‌شود و افزایش نوسان غیرسیستماتیک بازده سهام به کاهش نقدشوندگی سهام می‌انجامد. در پژوهش به نسبت مشابهی، دولو و امامی (۱۳۹۴) رابطه بین همزمانی قیمت سهام و نقدشوندگی را در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۱ بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد بین همزمانی قیمت سهام و نقدشوندگی رابطه معناداری برقرار است.

چنگ، جانستون و ذو (۲۰۱۲) رابطه بین کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام را به کمک اطلاعات خاص شرکت و اطلاعات گسترده صنعت بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد با افزایش کیفیت سود، همزمانی قیمت برای شرکت‌هایی که بیشتر زیر نظر تحلیلگران است، افزایش می‌یابد. به بیان دیگر سود با کیفیت بالا موجب می‌شود اطلاعات صنعت بیشتر در اختیار بازار قرار گیرد. همچنین در شرکت‌هایی که کمتر زیر نظر تحلیلگران هستند یا تحلیلگران آن را پیگیری نمی‌کنند با افزایش کیفیت سود، همزمانی قیمت سهام کاهش می‌یابد. به بیانی دیگر، سود با کیفیت بالا در این شرکت‌ها باعث می‌شود اطلاعات خاص شرکت بیشتر در قیمت سهام منعکس شود.

کومونری (۲۰۱۳) در پژوهشی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و همزمانی قیمت سهام را با نظر گرفتن تخصص صنعتی حسابرس به عنوان متغیر تعدیل کننده در بازار بورس نیوزلند بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد رابطه بین کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام تنها در حضور متغیر تخصص صنعتی حسابرس معنادار است. در پژوهشی دیگر، تیان (۲۰۱۴) تأثیر افشای داوطلبانه را بر همزمانی قیمت سهام در بازار بورس نیوزلند بررسی کرد و نتیجه گرفت افشای داوطلبانه شفافیت بازار سرمایه را بیشتر کرده و ریسک غیرسیستماتیک سهام را افزایش می‌دهد، که در نهایت، موجب کاهش همزمانی قیمت سهام می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش حاضر به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام تأثیر دارد.

فرضیه دوم: تخصص صنعتی حسابرس موجب تعدیل اثر کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران و فرابورس ایران است که با اعمال محدودیت‌های زیر بر جامعه آماری، ۸۷ شرکت برای تحلیل و بررسی انتخاب شد:

۱. قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس تهران پذیرفته‌شده و سهام آن حداقل از ابتدای سال ۱۳۸۶ معامله شده باشد؛

۲. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی، مادرشرکت‌ها یا لیزینگ نباشد؛

۳. به‌منظور ایجاد قابلیت مقایسه، پایان سال مالی آنها به ۲۹ یا ۳۰ اسفند منتهی شود؛

۴. اطلاعات مالی شرکت‌ها برای محاسبه متغیرهای مورد نیاز در دسترس باشد؛

۵. سهام شرکت‌ها به‌طور مداوم در بورس اوراق بهادار و فرابورس ایران معامله شود و تعداد روزهای وقفه معاملاتی سهام آنها به‌صورت متوالی بیش از یک ماه نباشد.

در پژوهش حاضر، فرضیه‌ها به کمک مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) آزمون می‌شوند. برای آزمون فرضیه اول مطابق با تحقیق کومونری (۲۰۱۳) از رابطه ۱ استفاده شده است.

$$SYNC_{i,t} = \alpha + \beta_1 DISAC_{i,t} + \beta_2 NDA_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Leverage_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۱}$$

در این مدل $DISAC_{i,t}$ متغیر مستقل و معیار معکوسی از کیفیت سود است؛ چنانچه ضریب آن به لحاظ آماری مثبت و معنادار باشد، نشان‌دهنده اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام است. $SYNC$ همزمانی قیمت سهام؛ CFO وجه نقد به‌دست‌آمده از فعالیت‌های عملیاتی که بر دارایی‌های ابتدای دوره تقسیم می‌شود؛ $Size$ اندازه شرکت‌ها که بر اساس لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت‌ها محاسبه می‌شود؛ $Growth$ فرصت‌های رشد شرکت‌ها؛ $Leverage$ اهرم مالی شرکت‌ها؛ NDA اقلام تعهدی غیراختیاری شرکت‌ها؛ $DISAC$ اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌ها که بر اساس مدل کوتاری، لئون و واسلی (۲۰۰۵) به‌دست می‌آید. در ادامه نحوه اندازه‌گیری این متغیر تعریف می‌شود. برای آزمون فرضیه دوم نیز همانند تحقیق کومونری (۲۰۱۳) از رابطه ۲ استفاده شده است:

$$SYNC_{i,t} = \alpha + \beta_1 DISAC_{i,t} + \beta_2 NDA_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Leverage_{i,t} + \beta_7 INDSPE_{i,t} + \beta_8 DISAC_{i,t} \times INDSPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در آن $INDSPE$ تخصص موسسه حسابداری در صنعت خاص و $DISAC \times INDSPE$ بیان کننده اثر تعاملی تخصص موسسه حسابداری در صنعت خاص است که در بخش تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش شیوه محاسبه آنها بیان می شود.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش، کیفیت سود است که برای عملیاتی شدن آن از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می شود. در پژوهش حاضر برای اندازه گیری ارقام تعهدی اختیاری از مدل کوتاری، لئون و واسلی (۲۰۰۵) مطابق با رابطه ۳ استفاده شده است. در همین رابطه با استفاده از داده های سال های ۱۳۸۸-۱۳۸۶ ضرایب (پارامترهای) مدل برآورد شد و به کمک این ضرایب، ارقام تعهدی غیراختیاری برای سال های ۱۳۹۲-۱۳۸۹ به دست آمد و در نهایت با کسر ارقام تعهدی غیراختیاری به دست آمده از مجموع ارقام تعهدی، ارقام تعهدی اختیاری برای سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ محاسبه شد.

$$TACC_{i,t} = \frac{TACC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \quad \text{رابطه ۳}$$

$$= \alpha_{i,t} \left[\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right] + \beta_1 \left[\frac{(\Delta REV - \Delta AR)_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right] + \beta_2 \left[\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right] + \beta_3 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این رابطه، $TA_{i,t-1}$ مجموع دارایی های شرکت i در ابتدای سال t ؛ $ROA_{i,t}$ بازده دارایی های سال t که از تقسیم سود عملیاتی بر کل دارایی ها به دست می آید. $TACC_{i,t}$ کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t که از تفاضل جریان نقد عملیاتی از سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه به دست می آید. $PPE_{i,t}$ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات؛ $(\Delta REV - \Delta AR)_{i,t}$ تفاضل تغییرات درآمد (نسبت به سال قبل) از تغییرات حساب های دریافتی (نسبت به سال قبل)؛ $\varepsilon_{i,t}$ ارقام تعهدی اختیاری برای شرکت i در سال t است.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش، همزمانی قیمت سهام است. برای اندازه گیری این متغیر همانند کار پیتروسکی و رولستون (۲۰۰۴)، ابتدا مدل رگرسیونی بازار طبق رابطه ۴ برای هر یک از شرکت ها و همه سال ها به اجرا درآمد و ضریب تعیین تعدیل شده معادله رگرسیونی (R^2) به عنوان معیاری

برای همزمانی در نظر گرفته شد. در این پژوهش منظور از مدل رگرسیونی بازار، مدل رگرسیونی بازار رول (۱۹۸۸) است. این مدل بین بازده یک سهم خاص با بازده صنعت مربوط به آن و بازده بازار ارتباط برقرار می‌کند. در همین راستا، داده‌های مربوط به قیمت‌های تعدیل‌شده روزانه از نرم‌افزار تی.اس.ای. کلاینت استخراج شد و با استفاده از رابطه ۵، بازده‌های روزانه محاسبه شدند. برای محاسبه بازده‌های روزانه صنعت و بازار نیز، اطلاعات مربوط به شاخص بازار و صنعت از نرم‌افزار ره‌آورد نوین به‌دست آمد و بازده روزانه بازار و صنعت به شرح رابطه ۶ محاسبه شد؛ سپس مدل رگرسیونی بازار برای هر شرکت در هر سال به‌صورت جداگانه در نسخه ۸ نرم‌افزار ای.ویوز برازش شد (روش مقطعی). از آنجا که کل مدل رگرسیونی به لحاظ آماری معنادار بود، از ضریب تعیین تعدیل‌شده آن، طبق رابطه ۷، برای اندازه‌گیری همزمانی قیمت برای هر شرکت در هر سال استفاده شد.

$$R_{i,t} = \alpha + \beta_1 R_{m,t} + \beta_2 R_{j,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۴}$$

در رابطه ۴، $R_{i,t}$ بازده سهام شرکت i در زمان t است.

در پژوهش حاضر، بازده سهام شرکت‌ها به‌صورت روزانه، یعنی در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر محاسبه شده است. در این حالت برای محاسبه دقیق‌تر درصد بازده‌های روزانه، از لگاریتم طبیعی قیمت تعدیل‌شده امروز به قیمت تعدیل‌شده دیروز استفاده می‌شود. منظور از تعدیل، لحاظ‌نمودن سود نقدی و افزایش سرمایه در محاسبه بازده است.

$$R_i = \ln \frac{\text{قیمت تعدیل‌شده امروز}}{\text{قیمت تعدیل‌شده دیروز}} \quad \text{رابطه ۵}$$

در رابطه ۴ $R_{m,t}$ بازده روزانه بازار در زمان t است که با استفاده از رابطه ۶ محاسبه می‌شود. در این پژوهش برای اندازه‌گیری شاخص بازار از شاخص نقدی قیمت و بازده نقدی استفاده شده است.

$$R_{m,t} = \frac{I_{2t} - I_{1t}}{I_{1t}} \quad \text{رابطه ۶}$$

I_{1t} شاخص بازار در ابتدای روز t ؛ I_{2t} شاخص بازار در انتهای روز t ؛ $R_{j,t}$ بازده روزانه صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند و مشابه بازده بازار اندازه‌گیری می‌شود.

R^2 به دست آمده از مدل بازار در رابطه ۴ نشان دهنده ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از تغییرات بازده بازار و صنعت و تأثیرات آن بر بازده سهام است. از آنجا که R^2 چولگی بالایی دارد و بین صفر و یک قرار می گیرد، با انجام تبدیل لگاریتمی، متغیر با توزیع نزدیک به نرمال (*SYNCH*) از طریق رابطه ۷ به دست می آید.

$$SYNCH = \log \left[\frac{R^2}{1 - R^2} \right] \quad (\text{رابطه ۷})$$

در این رابطه، *SYNCH*: معیاری از همزمانی قیمت سهام برای شرکت *i* در سال مالی *t* است.

متغیر تعدیل کننده

متغیر تعدیل گر منتخب برای آزمون، تخصص حسابرس در صنعت خاص است. در این پژوهش، از رویکرد سهم از بازار برای اندازه گیری تخصص صنعتی حسابرس استفاده می شود. برای محاسبه سهم از بازار، رویکرد پالمرز به کار می رود که مطابق با آن، تخصص صنعتی حسابرس متغیری دامی (دو وجهی) است. چنانچه سهم بازار مؤسسه حسابرسی خاصی از نسبت به دست آمده از رابطه $(\frac{1}{N_{audit\ firms}} \times 1/2)$ بیشتر باشد، مؤسسه حسابرسی مذکور متخصص در صنعت محسوب شده و به آن یک اختصاص می یابد؛ در غیر این صورت برای این متغیر صفر در نظر گرفته می شود. در رابطه یادشده، مخرج کسر بیان کننده تعداد مؤسسه های حسابرسی مشغول به کار در صنعتی خاص است. از سویی دیگر، سهم از بازار عبارت است از فروش های رسیدگی شده توسط مؤسسه حسابرسی در صنعتی خاص، بخش بر کل فروش های آن صنعت. برای این منظور اطلاعات مربوط به حسابرسان کلیه شرکت های بورسی و فرابورسی در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۹ جمع آوری شده است.

متغیرهای کنترلی پژوهش

در پژوهش حاضر، متغیر رشد از تقسیم تغییرات فروش نسبت به سال قبل بر دارایی های پایان دوره به دست می آید. اهرم مالی نیز با استفاده از نسبت بدهی اندازه گیری می شود. در نهایت اندازه شرکت نیز بر اساس لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت محاسبه می شود، نحوه محاسبه سایر متغیرهای کنترلی نیز پیش تر بیان شده است.

یافته های پژوهش

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. با توجه به آمار توصیفی ارائه شده، میانگین همزمانی قیمت برای شرکت های نمونه طی سال های ۱۳۹۲-۱۳۸۹ برابر ۰/۷۹۳۵-

است و نشان می‌دهد به صورت میانگین ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل رگرسیونی بازار حدود ۱۳/۸۵ درصد است؛ به این معنا که اطلاعات بازار و صنعت، ۱۳/۸۵ درصد از تغییرات بازده سهم خاص را توضیح می‌دهند. علاوه بر این، میانگین اهرم مالی برای شرکت‌های نمونه برابر با ۶۰ درصد است و بیان‌کننده این موضوع است که شرکت‌های نمونه به طور میانگین حدود ۶۰ درصد از دارایی‌های خود را از محل بدهی (تأمین مالی ارزان قیمت) تأمین کرده‌اند.

در آزمون داده‌های ترکیبی (پانل دیتا)، پس از آماده‌سازی متغیرها به منظور برآورد معادله رگرسیونی، ابتدا آزمون اف. لیمر برای تشخیص استفاده از رگرسیون تجمیعی (تلفیقی) یا به کارگیری مدل‌های داده‌های تابلویی اجرا می‌شود. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره F برای هر دو مدل کوچک‌تر از ۰/۰۵ به دست آمد، مدل رگرسیونی داده‌های تابلویی مناسب تشخیص داده شد. نتایج آزمون هاسمن نیز گویای مناسب بودن مدل اثرهای تصادفی برای هر دو مدل بود؛ زیرا سطح معناداری آماره خی دو برای هر دو مدل بزرگ‌تر از ۰/۰۵ به دست آمد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
همزمانی قیمت سهام	-۰/۷۹۳۵	-۰/۸۷۸۰	۰/۶۱۰۲	-۲/۰۳۲۶	۰/۵۳۷۲
اقدام تعهدی اختیاری	۰/۰۹۶۱	۰/۱۰۱۳	۰/۵۸۳۸	-۰/۴۰۹۱	۰/۱۴۵۲
جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۱۵۶۲	۰/۱۳۳۷	۰/۶۸۰۶	-۰/۲۷۴۹	۰/۱۵۳۱
اندازه شرکت	۶/۱۷۳۶	۶/۰۴۰۶	۸/۱۷۲۲	۴/۳۵۶۵	۰/۶۷۵۴
فرصت‌های رشد	۰/۱۱۲۴	۰/۱۱۳۰	۱/۶۸۶۰	-۱/۵۴۷۰	۰/۳۸۴۸
اقدام تعهدی غیراختیاری	-۰/۰۸۹۳	-۰/۰۸۴۹	۰/۱۲۹۹	-۰/۴۵۰۷	۰/۰۹۵۲
اهرم مالی	۰/۶۰۰۷	۰/۶۲۱۰	۰/۹۴۶۰	۰/۰۹۶۰	۰/۱۸۸۷
اثر تعاملی اقدام تعهدی اختیاری و تخصص حسابرس	۰/۰۴۶۰	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳۸	-۰/۴۰۹۱	۰/۱۱۹۲

نتایج آزمون فرضیه اول

جدول ۲ نتایج آزمون فرضیه اول را نشان می‌دهد. بر اساس سطح معناداری اقدام تعهدی اختیاری و ضرایب آن، می‌توان گفت رابطه مثبت و معناداری بین اقدام تعهدی اختیاری و همزمانی قیمت وجود دارد؛ به بیانی دیگر، رابطه منفی و معناداری بین کیفیت سود و همزمانی

قیمت سهام برقرار است. مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده نیز بیان کننده این است که متغیرهای توضیحی فقط حدود ۱۰ درصد از تغییرات همزمانی قیمت را توضیح می دهند. مقدار احتمال آماره F نیز حاکی از معنادار بودن کل معادله رگرسیونی است. در نهایت، از آنجا که مقدار آماره دوربین - واتسون (۲/۰۲۹) در بازه بین حد بالا ($d_U = 1/82$) و چهار منهای حد بالا ($d_U = 2/18$) قرار دارد، می توان نتیجه گرفت که خودهمبستگی بین اجزای خطا وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج برازش رابطه ۱ (آزمون فرضیه اول)

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۰/۰۱۵۲	-۰/۱۶۱۶	۰/۸۷۱۸
جریان های نقد عملیاتی	۰/۰۷۲۸	۰/۹۲۳۳	۰/۳۵۶۵
اقلام تعهدی غیراختیاری	۰/۰۸۷۴	۰/۱۲۹۲	۰/۸۹۷۲
اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۱۶۳۷	۲/۲۷۷	۰/۰۲۳۴
اندازه شرکت	۰/۳۲۳۵	۴/۴۹۶	۰/۰۰۰
فرصت های رشد	۰/۰۷۰۶	۱/۲۵۷	۰/۲۰۹۴
اهرم مالی	-۰/۰۷۵۹	-۱/۰۷۸	۰/۲۸۱۵
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۰۲۷	دوربین - واتسون	۲/۰۲۹
ضریب تعیین	۰/۱۱۹۴	احتمال آماره F	۰/۰۰۰
آماره F	۷/۱۴۴		

نتایج آزمون فرضیه دوم

هدف اصلی از اجرای آزمون مدل ۲، بررسی نقش تعدیل گری تخصص حسابرس است. با توجه به اینکه سطح معناداری اثر تعاملی اقلام تعهدی اختیاری با تخصص حسابرس کوچک تر از ۰/۰۲۵ است، می توان گفت اثر تعاملی اقلام تعهدی اختیاری با تخصص صنعتی حسابرس به لحاظ آماری معنادار است؛ به این معنا که تخصص صنعتی حسابرس از طریق اثر تعاملی خود، تأثیر منفی کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام را تقویت می کند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز با افزودن متغیر تخصص حسابرس از ۱۰/۲۷ به ۱۱/۷ درصد افزایش یافته است که نشان

می‌دهد با افزودن متغیر تخصص حسابرس به عنوان متغیر تعدیل‌گر، قدرت توضیح‌دهندگی مدل به میزان کمی افزایش یافته است.

جدول ۳. نتایج برازش رابطه ۲ (آزمون فرضیه دوم)

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۰۴۵۳	۰/۴۱۰۷	۰/۶۸۱۵
جریان‌های نقد عملیاتی	۰/۰۷۵۴	۰/۹۶۳	۰/۳۳۶
اقلام تعهدی غیراختیاری	۰/۱۴۲۶	۰/۲۱۲۵	۰/۸۳۱۸
اقلام تعهدی اختیاری	۰/۲۸۳۳	۳/۲۶۳	۰/۰۰۱۲
اندازه شرکت	۰/۳۳۹۹	۴/۶۴۷	۰/۰۰۰
فرصت‌های رشد	۰/۰۷۴	۱/۳۲۹	۰/۱۸۴۷
اهرم مالی	-۰/۰۷۸۳	-۱/۱۲۰۳	۰/۲۶۳۴
تخصص حسابرس	-۰/۱۱۹۲	-۱/۰۷۹	۰/۲۸۱۴
اثر تعاملی تخصص حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۲۰۹۹	-۲/۳۶۰۲	۰/۰۱۸۹
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۱۱۷	دوربین واتسون	۲/۰۲۴
ضریب تعیین	۰/۱۲۸۹	احتمال آماره F	۰/۰۰۰
آماره F	۶/۳۳۵		

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد آزمون شدند. نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد بین همزمانی قیمت سهام و کیفیت سود رابطه منفی برقرار است. نتیجه به‌دست‌آمده را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد؛ با کاهش اقلام تعهدی اختیاری، کیفیت اقلام تعهدی اختیاری و به‌دنبال آن کیفیت سود، افزایش می‌یابد. افزایش کیفیت سود از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقدشوندگی، موجب افزایش همزمانی قیمت سهام می‌شود. از سوی دیگر، افزایش کیفیت سود موجب دقیق‌تر شدن اطلاعات خاص شرکت می‌شود و بتای سهام را کاهش می‌دهد. با بتای کمتر، هم‌حرکتی بین بازده سهام و بازده بازار و صنعت کمتر می‌شود و همزمانی قیمت سهام کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده غالب بودن اثر افزایش دقت اطلاعات خاص

شرکت بر اثر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. نتایج این فرضیه مشابه با یافته‌های چنگ و همکاران (۲۰۱۲)، جینگ (۲۰۰۷)، احمدپور و پیکرنگار قلعه‌رودخانی (۱۳۹۰) و جانستون (۲۰۰۹) است. از سوی دیگر این نتایج با یافته‌های کومونری (۲۰۱۳) مغایرت دارد. وی در تبیین نتایج پژوهش خود بیان کرده است که احتمالاً مدیران شرکت‌های بورسی در نیوزلند، از اقلام تعهدی اختیاری برای اهداف آگاهی‌دهندگی و مخابره اطلاعات خاص شرکت به افراد برون‌سازمانی استفاده می‌کنند و رابطه منفی بین اقلام تعهدی اختیاری و همزمانی قیمت نیز از همین موضوع ریشه می‌گیرد.

نتایج فرضیه دوم نیز نشان می‌دهد تخصص حسابرس، رابطه منفی بین کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام را تعدیل می‌کند. به سخنی دیگر، تخصص حسابرس موجب انعکاس بیشتر اطلاعات خاص شرکت در مقایسه با اطلاعات بازار و صنعت مربوط به آن در قیمت سهام می‌شود و کاهش همزمانی یا هم‌حرکتی قیمت سهام را به دنبال دارد. نتایج فرضیه دوم مشابه با یافته‌های سو، داتو و ذو (۲۰۱۵) و گال و همکارانش (۲۰۱۰) است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که تخصص صنعتی حسابرس، رابطه بین کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام را به صورت منفی و معنادار تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، از دید سرمایه‌گذاران، سود حسابرسی شده توسط حسابرسان با کیفیت (مانند حسابرسان متخصص) از اعتباردهی زیادی برخوردار است و آنان ممکن است به دو صورت به این موضوع واکنش نشان دهند؛ از یک سو گزارش‌های حسابرسی شده قابل اتکا (مانند سود با کیفیت)، اطمینان سرمایه‌گذاران به آنها را به عنوان منبع قابل اتکای اطلاعات خاص شرکت افزایش می‌دهد و موجب افزایش آگاهی‌دهندگی قیمت سهام می‌شود و در نهایت به کاهش همزمانی قیمت سهام می‌انجامد. از سوی دیگر، کیفیت بالای حسابرسی و اعتباردهی بیشتر در گزارش‌های حسابرسی، می‌تواند هزینه نهایی جمع‌آوری اطلاعات خصوصی را کاهش دهد و موجب انگیزش سرمایه‌گذاران برای جمع‌آوری بیشتر آن دسته از اطلاعات خصوصی‌ای شود که بعداً در قیمت سهام منعکس می‌شود (سو و همکاران، ۲۰۱۵) که فریرا و لائوکس (۲۰۰۷) به آن اثر ترغیبی (انگیزشی) اطلاعات می‌گویند. نتایج پژوهش نیز نشان‌دهنده اثر منفی تخصص حسابرس بر تأثیر کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام است. به سخنی دیگر، حسابرسان با کیفیت ممکن است - صاحبکاران خود را مجبور کنند که اطلاعات خاص شرکت را با جزئیات و کیفیت بیشتر در گزارش‌های مالی افشا کنند (گال و همکاران، ۲۰۱۰) و اطمینان سرمایه‌گذاران به آنها را به عنوان منبع قابل اتکای اطلاعات خاص شرکت افزایش دهند که در نهایت موجب کاهش همزمانی قیمت سهام شوند. همچنین نتایج فرضیه دوم با یافته‌های کومونری (۲۰۱۳) همخوانی ندارد. وی

در پژوهش خود به این نتیجه رسید که تخصص صنعتی حسابرِس رابطه مثبت بین کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام را تضعیف می‌کند.

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد کرد که به منظور کاهش همزمانی قیمت سهام شرکت‌هایشان، کیفیت گزارشگری مالی خود را بهبود دهند و در صورت‌های مالی از خدمات حسابرسان متخصص برای اطمینان‌دادن به ادعاهای خود استفاده کنند؛ بدین ترتیب قیمت سهام شرکت‌های آنها کمتر از روند کلی بازار و صنعت تأثیر می‌پذیرد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

۱. بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام با استفاده از پروکسی‌های متفاوت و جامع برای کیفیت حسابرسی، مانند اندازه حسابرِس، دوره تصدی حسابرِس و وابستگی مالی به صاحبکار؛
۲. بررسی تأثیر کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام با استفاده از پروکسی‌های متفاوت برای کیفیت سود، مانند قابلیت پیش‌بینی، نوسان‌پذیری، پایداری سود و...؛
۳. بررسی رابطه بین کیفیت سود و همزمانی قیمت سهام با کنترل سازوکارهای حاکمیت شرکتی شرکت‌ها.

References

- Ahmadpour, A. & Peikarnegar Gale- Rudkhani, S. (2012). The Relationship between Components of Accruals Quality and Price Synchronicity in Tehran Stock Exchange Companies. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 7(27): 137-151. (in Persian)
- Ahmadpour, A. & Peikarnegar Gale-Rudkhani, S. (2012). Investigating the Relationship between Earning Quality and Stock Price Synchronicity in listed company of Tehran stock exchange. *Managerial Engineering magazine*, 4(40): 82-88. (in Persian)
- Balsam, S., Krishnan, J. & Yang, J. S. (2003). Auditor Industry Specialization and earnings quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(2): 71-97.
- Bhattacharya, N., Desai, H. & Venkataraman, K. (2013). Does Earnings Quality Affect Information Asymmetry? Evidence from Trading Costs. *Contemporary Accounting Research*, 30(2): 482-516.

- Chen, S., Gul, F. A. & Zhou, J. (2013). *Do Analysts Incorporate Market/Industry-Wide or Firm-Specific Information into Stock Price: Some Evidence on the Role of Earnings Quality*. Industry-Wide or Firm-Specific Information into Stock Price, (October 6, 2013). Available in: <http://ssrn.com/abstract=2360901>.
- Cheng, C. S., Johnston, J. A. & Zhou, L. (2012). *Earnings Quality and Price Synchronicity: Industry-Wide and Firm-Specific Information*. Available at <http://ssrn.com/abstract=2280899>.
- Dolou, M. & Emami, A. (2015). Investigating The relationship between Stock Price Synchronicity and Liquidity: Evidence from Tehran Stock Exchange (TSE). *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 8(29): 3-22. (in Persian)
- Ebrahimi kordlar, A. & Seyedi, S. (2009). The Role of Independent Auditor in reducing Discretionary Accrual. *The Iranian Accounting And Auditing Review*, 15(54): 3-16. (in Persian)
- Etemadi, H., Mohammadi, A. & Nazemi Ardakani, M. (2009). The Relationship between Audit Industry Specialization and Earning Quality in listed company of Tehran stock exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 1(1): 17-32.
- Ferreira, M. A. & Laux, P. A. (2007). Corporate Governance, Idiosyncratic risk, and Information flow. *The Journal of Finance*, 62(2): 951-989.
- Forugi, D. & Farjami, M. (2013). *The Effect of Stock Price Synchronicity and Stock Return Volatility on Stock Liquidity*. Unpublished master thesis in finance, Isfahan, Isfahan University. (in Persian)
- Gaemi, M. & Vatanparast, M. (2005). Investigating the Role of Accounting Information in reducing Information Asymmetry in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting And Auditing Review*, 12(41): 85-103. (in Persian)
- Gul, F. A., Kim, J. B. & Qiu, A. A. (2010). Ownership Concentration, Foreign Shareholding, Audit Quality, and Stock Price Synchronicity: Evidence from China. *Journal of Financial Economics*, 95(3): 425-442.

- Jing, Z. (2007). *Earnings Quality, Analyst, Institutional Investor and Stock price Synchronicity*. Doctoral dissertation, PhD Thesis, Hong Kong, Hong Kong Polytechnic University.
- Johnston, J.A. (2009). *Accruals quality and price synchronicity*. Doctoral dissertation, United States, Louisiana Tech University.
- Kim, O. & Verrecchia, R. E. (1994). Market Liquidity and Volume around Earnings Announcements. *Journal of Accounting & Economics*, 17 (1/2): 41-67.
- Kommunuri, J. (2013). *Audit Firm Industry Specialization, Discretionary accruals and Stock Price Synchronicity*. Doctoral dissertation, New Zealand, Auckland University of Technology.
- Kothari, S. P., Leone, A. J. & Wasley, C. E. (2005). Performance Matched Discretionary Accrual Measures. *Journal of accounting and economics*, 39(1): 163-197.
- Lambert, R., Leuz, C. & Verrecchia, R. E. (2007). Accounting Information, Disclosure, and the Cost of Capital. *Journal of Accounting Research*, 45(2): 385-420.
- Nguyen Ngoc Thanh, V. (2013). *Determinants of Stock Price Synchronicity evidence from HoChiMinh city stock exchange*. Doctoral dissertation. Vietnam, International University HCMC).
- Nonahal Nahr, A., Jabarzade, S. & Pourkarim, Y. (2005). The relationship between Auditor Quality and Accrual Reliability. *The Iranian Accounting And Auditing Review*, 17(61): 55-70. (in Persian)
- Noravesh, I. & Heydari, M. (2005). Evaluation of Management Performance in publicly-held companies listed in Tehran Stock Exchange by CVA model and Investigating it's relation with Stock Return. *The Iranian Accounting And Auditing Review*, 11(38): 121-147. (in Persian)
- Piotroski, J. D. & Roulstone, D. T. (2004). The influence of Analysts, Institutional Investors, and Insiders on the incorporation of Market, Industry, and Firm-specific information into stock prices. *The Accounting Review*, 79(4): 1119-1151.
- Roll, R. (1988). R^2 . *Journal of Finance*, 43(3): 541-566.
- Scott, W. R. (2012). *Financial accounting theory*. Canada: Pearson Education.

Su, L., Zhao, X. & Zhou, G. (2015). Auditor Tenure and Stock Price Idiosyncratic Volatility: The Moderating Role of Industry Specialization. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 35(2): 147-166.

Tian, E. (2014). *Voluntary disclosures and the stock price synchronicity-evidence from New Zealand*. Doctoral dissertation. New Zealand, Auckland University of Technology.